

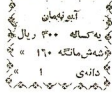


له لایحه هیئتہ تی

تحریر یہ وہ دورہ جی

کوردستان

بلاو کہ روہی پیر حزبی دیموکراتی کوردستان



آبونه نامی

یہ سالہ ۳۰۰ ریال

شہس ماہگہ ۱۶۰

دانی ۱

نمبر ۶۷ -

سالیکم

۴ شہم ۲۵ ہائمبر ۱۳۲۵

۱۳

جمادی الثانی ۱۳۶۵

۱۵ - ۱۹۴۶

کوردو آذربایجان

دو مغز بادام در یک پوست

اکنون کہ ظہہ بدست دارم و میخواہم با فرای کم معنوی خود ، شعرا از روح بگلانگی و صمیمیتی کہ بین آذربایجان و کورد موجود در اعماق قلب فرد فرد افراد ہر دو ملت رسوخ و ریشہ دوانیدہ ، برینتہ تحریر بیام ؛ قطعاً اینکہ بندہ باکہ قدمی فراتر نماندہ احدی ہم قادر بشرح و بسط ماہیت و حقیقت این موضوع کہ در واقع پائینر بالا شیاعت و شائستگی تمام دانستہ باشد نخواہد بود . چون مالیات مشہور ؛ شنیدن کی بود مانند دیدن .

باوصف این بہ مصداق فرسودہ شہخ سعدی
 ذوق جز در عقل است دم فرو بستن بوقت گفتن و گفتن بوقت شہاوشی
 بیجا است کہ بد کہ قطعہ آذربایجان بر دلزم ، تا نواست با شہیم
 حقایق را آفتابی ، وضناً شریقترا بر بیکر دستگاہای ماجرا
 جویان و مزدوران استعمار وارد کردہ باشہیم .

البتہ بر کسی اعم از کورد و نورثو فارس و مسیحی پوشیدہ نیست کہ اسبابی معنادی بود ، ایرہای تیرہ ظلمت و بدبختی صفحہ آذربایجان و کوردستان را چون شب بدجور تارک نمودہ ، مثلثات ملت از بدو سرزمین مقدس در

دہند کہ وقت غنیمت است و نباید بیہودہ و بواہوسانہ ازدست داد ؛ از این رو افراد ہر دو ملت رشید بفکر چارہ جوئی افتادہ و برای رهایی ابدی از یوغ مستبدان واردہ کمی ویندگی دیکتاتوران حکومت مرکزی ؛ از روی ساست و تدابیر مدیرانہ اوپای زیدہ وارد شدہ شدہ ، تالودہ و اساسی رابری ادارہ نمودر خود در سختند کہ هیچ حوادثی جز سیلاب مرکہمگانی قادر بہ اہدام آن نشود .

آری ؛ این کار با احسن ترین وجه قانون دموکراسی و مشور و اتلا تکتیک مرحلہ عمل بخود گرفت یعنی دو حزب در سراسر کوردستان بسسز رنگ بسسر منشہ او برنسبب وحدت و محبت سران و افراد ہر دو ملت استوار و بنظنور رهایی از چنگال کورگ مقان آدمنوار شروع بہ کار و تظلمت شد . ہای تکتیکی علمی و فنی برای حال و آہندہ نمودہ ؛ تشکیل مجالس مشاورہ بمنظور آگاداری بیشتر از اصول تکتیک و استراتژی (علم جنگ علم سوق الجیشی) ادا نمودند . و وارد تابوتاند در نہای کنونی حقوق ملی از دست رفتہ خود را کہ بہ حیثیہ تسلط در آورده اند

دہرہ وی سورویاتی

لہیشتدا ناحضہ کئی دولتی شوروی عمدأ سیاسی سوبوتیان بہشتک نیشن گلان ندا کہ لہ توانائی کمس نہی هیچی لی تینگا . ہم - لہ کہ رشہ ہمیشہ لہیش چاروان بہ ہمو جناسبات نری لہ کمرہ و کورہ لہ کرا ہم پرز پوگاندہ بہ روسیان دم کردہ وورچیک کہ لہ زیر ہرمدی آدہ بزاددا خوبی نشان دہدا ہمیشہ عالیان بی دہرہ سارند ، بہ لام حقیقت زور لہم دوورو ، لہ کمرایہ سہرئج ہدہنہ سیاسی دہرہ وی سویت ہمو لہسانی ۱۹۱۷ و تا کور ایستا ۱۹۴۶ « بیست و ہفت سال » دروی لہم گوتہ بوختانہمان بہاجاکی بوہمہر دہ کوبوت ولیمان آشکرا دہمی کہ سیاسی سویت ہمیشہ رجاوی چاکہی گلہ لان وی طمعہ بوہ لہ ہمہو چورہ فزانج دست کوبوتیک لہمہو حسابی بکی تر . ہمروا بوایاتی لہم گوتہ بہ کورنی لہسانی ۱۹۱۸ یعنی لہروزی انقلابی (اکتوبر) تا کور ایستای میزوی سیاسی دہرہ وی سوویت تان بویدہر دہ کم .

لہروزی ۸ مانگی باز دہمہمی ۱۹۲۸ ۲۴ ساعت پاش دست بی کردنی انقلاب کہ لہو حادہ جنگی زمینتی گہشتیوہ توندترین رادہی ؛ لہنین بریاری بیماو باشگی آباش بسلاو کردہم کہ لہم بریارہ رنگی بوہمہو جہم کہ ہمو گلان دانایو بدورست کردنی آباشیکہ دیموکراسی راستی ہوا خاز کردنی

البته بر کسی اعم از کورد و نوروز و آرس و مسیحی پوشیده نیست که اسباب شهادی بود. ابره‌سای تیره ظلمت و بدبختی صفحه آذربایجان و کوردستان را چون شب‌دجور تاریک نموده، ملکوت ملت این‌دو سرزمین مقدس در عرصه فجاج گهر شکن زمامداران ست عنصر تالیفات دست خوش امواج سیاست استعمار بون اثر یکطرفه و اغراض و طمع و رزهای عدله‌گلبی دوران معاصر کار از طرف دیگر قرار گرفته بود.

یوزده در دوره رضاشاهان تری فشار و نظام و شکنجه تعدی دست‌درازی مأمورین (علی‌رضاهام) به ناموس میله‌تی بیچاره گامی سبر همه را لبریز کرده بود. ولی تجرد به شیراز و خوزستان و اراک و زندانی در قصر قاجار و به چاهای مرطوب طهران مجال را به لصدی نمیداد که مقدمات کونسیسیون پایانی راماتند کودتای سال ۱۲۹۹ رضاشانی (قیام بر علیه قاجار) برپا سازند. و بتوانند يك حکومت دیموکراسی را که امورات ملت برای ملت بدست ملت اداره شود، روی کار بیاورند.

ولی بالاخره دست‌توانی طبیعت به باری جزع و فزع نوده ستم‌دیده و قاهمای جانگداز بیرزمان قزوت رسیسه حادثه شهریور ماه ۱۳۲۰ را که معصوم ملت زرد سرد کوچک و بزرگ ننه آن بودند بر سره ظهور در آورد. آری بطوریکه عموم ماها ناظرو شاهدیم؛ پس از وقوع حادثه شهریور بقلاً دست‌نگاه فساد و فتنه‌ی رضاشان و از گون و برای ابد به دیار نیستی وفا و هیاض نمودند و...

شما زمین سیردن مقدرات را بدست افراد جامعه مساعد نموده و در پیچ و روزنه امید رنگ گمانی آزاد را بروی همگان باز نمود. این بود که در میان توده مردم ایران کوردستان و آذربایجان که بیشتر از همه داغ‌دیده‌تر، حقوق اجتماعی مدنی، آثار ملی و باستانی خود را در زیر سیاست شوم رضاشانی (دلال و مزدور استعمار) با اعمال تر شده

(علم جنگ علم سوق‌الجیشی) ادامه داشت. و دارد تابوانند در دنیای کونی حقوق ملی از دست رفته خود را که به حیثه تسلط در آورده‌اند تکبهداری و از طرف دیگر هم در قرن ششم بیستم دوش بدوش مال مرفقی سیر تکامل نمایند.

واضح و میرهن است که جوینده پاندم بود. دولت غیور و اسیل کورد و آذربایجان دیر زمانست که بر او بار بدور شمع (آزادی) میگردند و میوزند، گواه این مدعا داستان‌های خونین و آنتین است که با کلمات درشت منقوش صفحات تواریخ است. به علاوه خون شهادی راه آزادی خاک این ملت را رنگین کرده؛ با زبان حال روح‌یگانگی ملت‌انویست و به آینه درخشان و زندگانی بی‌غل‌غش امیدوار میسازند. چون روان بی‌آلایش شهید اسباب است بلکه تمام دنیا بی‌به حقیقت و اتحاد و صمیمیت آذربایجان و کوردستان برده و مطمئنند که خطا کارهای گذشته تکرار نخواهد شد زیرا دستهای مرموز دیگر نمی‌توانند در سرنوش این دولت بقیه خود باز بهائیا کرده و تأثیراتی را بنماید و برای عموم هم از محققات است جزو جنبل را گم دستک‌های مرتجعین و مزدوران راه انداخته‌اند مانند: مثل (تضق بر آب است) خواهد شد.

جنگ سائمانوز بین‌الطالی دوم (۱۹۳۹) معنای دموکراسی را بشام تمام دنیا یوزده ساکنین آسیای استعمار و استعمار شده رسانیده؛ و مفهوم این جنگ تجزیه را در دسترس عامه گذاشته‌است که بتوانند از جنگ سیم و جنگ‌های آینده جلوگیری نمایند و...

رادی، لاین براری به‌تو با نگی آسایش جبهه کمره‌کان داناو بدورست کردنی آسایشیکی دیموکراسی راستی و اخراج کردنی ارانی وین و مرگرتنی هرات. ماهه ۱۹۴۰

امروز که ماملت آذربایجان و کوردستان از جنگ‌ال استار و استیلا کران فاشیستی رهائی یافته و مانند بیل آزاد شده تا از ترو بود سیاست خشن و بیرحمانه‌ات ار. جها و تازها خلاص شده‌ام. به چشم خود میبینم که تا دیروز گول‌خورده و آت‌باز چه مقام بلید این و آن بودیم، حال کجایی به مکتوبات قلب‌فاسد آقا برسد و حقیقت معابر را خود کشف و در باق‌تعام، میدانم که کوردستان و آذربایجان با پشی مائده حلقه‌های زنجیر آهنین بهم پیچیده و هریک برای حفظ حقوق اجتماعی و مدنی و معالجه دیگری مانند شیر زیسان پیکر عریان خود را هدف گلوله مشرطین قرار دهنده و خود را فدای حفظ آزادی کرداریکه با تار خون ملی و با جوان رشید بخاک و خون غلطیده بدست آورده‌اند بکنند. (البه می‌کنند)

اعضای بی‌مناهی دوستی و بازاری‌گمانی به مدتهای مدید مدی‌مد منظور ما را تأمین کرده است ولی برای ابدی ساختن این شاهد مقصود (آزادی) که حال سرزمین‌های خود را از خارستانی بگلستانی تبدیل کرده ایم، چنان‌به کشف داریم و حاضریم تا آخرین قطره خون و دم و اسپین بر علیه استیلا کران و استعمار بون به ماهه ۱۹۴۰

دشادی رسولی

به ندر پخانه‌ی سیاسی

نراتم جی دوزیک بو بلام نهو، ندم له بیر ماوه به عاریبو بهر دواتر گشتاو چه من زار به جلی خوا کردی خوین رازانه بو، موخه ریکی زعمه موی به عاری بو، نه نمانت کپاو گول له بهدی خورسکاودا مه مستون به پشته یی شمال به لادا ده هاتن ، روزی سه به پستی و آزادی بو چو مه ملی برادرم کم ، له برادرم شه بو که هه شه واتسی آزادی و سه به پستی وردی زبانی بو خوی به بارزگی کاری آزادی ده زانی ، یی وایو نه مه یی خوی بو دفاع له استقلال سرف کره دوه و دهیکا

دانیشتیوم هه ورا له برادره را له بهر نه چه ره که قهسیک داندرایو ... نالدار بکی نه شه بلی تپاو هه به پلامه قازی ده کرد ، خوی به به نه چه ره یی قهسه که دا دندا و له قهسه لادان رانه هه ووستا ، نه نگه موی برلی کرد بته موه ؟ که له و به هه ره خوشه یی ژبانه چاون ده می هه ووه دونا آزاد و یی به ورا له جی لانه و هه دایر هه ره نه و به نه پخانه یی بیدای دایه و وینه به به نه شه دوزانی له ته قهله یی خویندا یاقه قهسه که یی ده سکی و آراد ده یی باله انتجایی نه و نه لایسه و مه ملی تیکه سکی و له و به نه پخانه یی که ژبانی نیوه نه جاتی ده یی .

رووم له برادرم که کم کرد و گونم ؛ بره به نه که یت وایه ته مه یی خوت له ره سکی بازستی آزادی سرف کردوه و ده بکسی شه و ورور و له هه ووه جیگا بک که به سه مه رامی خوت نشنن داوه بلام نه و ؛ به ره نه بخت بو جی له و قهسه دا بیچاره کردوه له و روزی دا که هه مویگان له بهر بک له به هاری آزادی بهر خورداره نه و به کس که دفاع له آزادی ده که یی کردارت به یی چه وانه یی قهسه گشته آیا مانی آزادی نه و به ؟

له بهر یی چه ووه که عرضتان بیکم خاوه نالداره که بهر و بالی نه و بالداره بیچاره یی کردونه تا توانای ژبانی نه مه یی
 نه شه بلی تپاو هه به پلامه قازی ده کردی خوین رازانه بو، موخه ریکی زعمه موی به عاری بو، نه نمانت کپاو گول له بهدی خورسکاودا مه مستون به پشته یی شمال به لادا ده هاتن ، روزی سه به پستی و آزادی بو چو مه ملی برادرم کم ، له برادرم شه بو که هه شه واتسی آزادی و سه به پستی وردی زبانی بو خوی به بارزگی کاری آزادی ده زانی ، یی وایو نه مه یی خوی بو دفاع له استقلال سرف کره دوه و دهیکا

خوله هه ووه دونا آتکرابه کردان چه مند له میزه له دمه زانی سه ووه ساتنی ده و له ساتنی عراق و تورکیا و ایران جی ده سیکان هه ووه له وار دوش دا له و لانا سدا خاوه نی جی سه اعطت و امپراطور بیک بوون .
 شه ووش خاتری شه وان یی ؛ و درن بزانی کورد رشدی سیاسی هه به یان نا ؟ کوربان یی سیرین و نه مانان کن .

نه من شه ووی به سه ایاتی نه و مه عه به بیکم میزو شاهدی نه و قهسه یی منه و اکیر

خوشیان به ژبو به نه دوزان کورد ژبانه ووه و به کس نامری ؛
 به نابهنی نه ووه که مه رمعی آزادی له دونا دا بلو بو شه ووه و ورده ورده بهر و بالی مه لانه بیچاره کن ده بو ژبانه و چا بایر مودا بزانی مه قهستی سیاست به ده شه ووه بکرن و به ووه بالی مه بالغان بکرن ؛

هه نانه نه رشک له و لاتی کورده ازر بایستی ؛
 و هه ناخوین له له شی نه و نه فهره دا بچه نی ووه ؛
کورد ژبانه و نامری ؛
 ماوه یی له لایحه ۲

ماوه یی لایحه ۱ سیاستی ده ره ووه یی نه و ویاتی

وه و لاتی تر . به که نه یی سووهت نه مه یی له بیر نه که سیک بترسی پاته هیرش یانده سه و که سیک ، ایسه بو آسایش و هه مه شه پارسیز کاری آسایش نه که یی . بلام ایسه نه ووه قاترسیین که سیک بشارتسیینی چونکه آمانه یی بو لیدانی هه ووه که سیک بیهوی آگری جهنگ هه لگرسینی ، و نه وانه یی آسایشان خوش نه و وه ووه له ته قهله بو آسایش و آرامی نه دهن هه مه شه هاریکاری ویا مه تیان لی نه یین . بلام نه وانه یی تپانه و هیرش بهر نه شه نشنانان گوهانی تپانه به یی بترن هیرش و نه و نه ترن شر به مان لی نه یین .

هه ووه م سبانه آسایشه زور جیار بو دنیا اثبات کرا له مانی ۱۹۳۵ له ده سنی گه لان لایزنگری سه ووهت له جت بهر ایسه نه ووه ؛

له سالی ۱۹۲۱ به مانی برادرمانی و دراوسینی له کمال حکومتی اران و افغانستان و تورکیا سه وستی ده مانی ۱۹۲۴ له گال جین هه ورا .
 بهندی به که یی به یسانی ایران و سووهت ؛ یت « آرزوهان له دینی ژانگی آزاده کارمانی گه لی ایران که سه به پستی له مالا کس خوی تصرف بکات حکومتی روسیای سووهتی وادیار ده که که واهه ووه جوره به بیان انتقادی که له لابن حکومتی قهسریوه به سه ووه به هه لگیرایو بزانی هه جت اغیار بکی نه یی . «
 له روزی انقلابه و بخت و هشت سه له سووهت له سه یت آمانته راستن و یی ماندو بوون هه ووه یی نه دهن .

ده و لانی شه ووه یی بیکم ده و له ته بوونه کردنی جهنگ به ساتر (که له ته) هه ووه ؛

کردند و او روزی که همه گمان به برگ آمد بهاری آزادی
به خوردارند نه تو به کسی که دفاعه آزادی ده که ی کردارت
به بیچاره ای که گناته آیا مانی آزادی تو به ؟

لبه ریشم چو که عرضان بگم خاوم با تارده که برو
بالی تو بالدارم بیچاره کردی تو تا توانی فری نه نه نه
چند شه سلطان بو به پروردگ دو نیشانه دشمنانه تا که هر
آن بان برسی بوی نه به هر رفتند به اند کردند و آزادی ناکه
نه اولامدای بلی چونکه توانای فری نه تبه اگر به بری دم
پشیده به خوا ! بو به خودم دی بارزم .

زور له میزه میانه کنی کورد نواری نه نیز نه و ففمه
سایه تا دهالی و به رویی گراوه و له به هاری آزادی داله
به ندی نخانه سیاسی بیچاره به به رویایان کردند و مام فیل
دملی اگر آزادین بگم پشیده ده بان خوا .

هر روزی به جور و پرک و اگر مصالحی اجلی کرد
بی فقه سبکی بود روست کردی و تو میانه بیچاره می و
بی پروبال خوشه تو به شه پول و سیلای بیدادی نه نمانت
هوائی هاوارشان به ما بو .

تا قادری قدرت نما نه توانای خوی نشاندا و ده سبکی
بولاردین هر به به عمل دفته لایه کی تو فقه می شگانه و
ورده و رده نه شاه کاندان بوزایه و به بری دمر کرد .
ایضا مام فیل که تو به کوشش و به به می به خنکی
به لبینی کرد لایقی آزادی نه به هر دم به لوه نفس دایی تا
بیسایزری .

چانه و لایه تو با عرشان به ختم .

اگر آزادی بو میله تنگی آزاد بی باک می با
بین کوردان نانی بگنوم و بزبان چه ننده آزادی با کن .
اگر آزادی بو میله تنگی زور به نفوس بسی زسار می
نقوسی ولای کورده واری به آشکرای نو ملیون زسار
که مفر نه
اگر آزادی بو میله تنگی خاوم تاریخ ویشینه به

همه خیرای برمی و هیچ اعتراضی نه می .
له روزی انقلابه و بست و هشت ساله
سوومت له سر بهم آمانچه راستن وی ماندو
بوون هولی بو ندمن .

دولتی شوروی بیکم ده ولنه بو منع
کردنی چنگ پستانی (کیلوگی) مور کرد
هر نه و بو لهالی ۱۹۲۷ نه کونگرمی
دقانی چنگ (نزع سلاح) به دقانی ریگی
به چنگ کردنی همو ده ولنه تان نه واری

دنیای سر آواز کرد چونکه دقانی چنگ پانه
چنگ کردنی همو ده ولنه تان نه گه چچی
فانیده به خشنده همو گه لایش بی به لام
پشه کی قائده به خشنده خسودی ده ولنه
سوومنه به چونکه ده ولنه سوورنه به گوزری

نظامی اقتصادی سیاسی له همو نه تجر بیک
و شان لعنان دان بو بیکتر له بازاری بازار گنی
دور کردن دوره . هر او ده ولنه شوروی
به دینی هندی ده ولنه سر مایه داری که
به معیبت به مسئله آسایش دمدن لهالی

۱۹۳۴ نیکدل به ده سنی گه لان (عصیتلام)
بو و سالی ۱۹۳۵ به پانی سوویان و فرانس
مور کرد وله به ماندا جیگی بو همو
ده ولنه تیک بهی هشت که به وی هار بکاران
له گدل به گت پان نه به پدانی گورینه وی
هاریکاری له گدل جیکه ساوا کیا به ت برادر

ستالین سالی ۱۹۳۴ هم جو روه سیاست نه
لایش نه دقانی کورمنس هفده مینی جزئی
کومونستی به کنی سوومت به تنظیم دیار کرد
کونی « سیاستمان آگاداره له آسایش
علاقه بازار گنی به خبو کسرد نه له گدل

نیشاندان گومانی نیشانه به بزرگترین هیرش
و نوله ترین شریمانی له نیش .

هر او به سیاست آسایشه زور جبار بودیا
اثبات گرا لهالی ۱۹۳۵ له ده سنی گه لان
باریز گزی سوومت له جنبه به راهبر نه دای
اینا بلوه به راهبر هیرش نابون بو به چین
سالی ۱۹۳۷ آگاداران دیوانی سیاست نه
سوومت سه لاند .

هم همو راهمونه شرفانه به راهبر
هم همو نهنگو چه له سنی ده ولنی راستی
سیاست سوویان اثبات نه کات که لیک نه حصه
بو تاجزه کانی سوورت هم سیاست به جور بکی
تر نیشان دن و هر یکی نه دای له بر کن و
دنیای بی بزرگین .

هی خودم واری خوشه ویت نهر له
آنی دروست بوونی ده ولنه شوروی تا کو
پیش هم چنگه له سیاست دهموه و چسکی
نه نه هم ده ولنه شازدا بوون . وله آتی هم
چنگه و پاش چنگش بی گومان آگاداران
له پارتی سوومت بو به راهبر به هقی گالی
پولویا (ایران) له کوراسی سافر بسکو
و به راهبر به نداشتن له شکری انگیز به اموری
زورده وی بو تاجه ویش همو ده ولنه تیک
افراق کزدنی به ده ولنه ستانی سوور و
پشان و

نعمای همو وی ۳۸ ساله وا دهر شه که
که هر دو هم به هیچ شیک برای به راهبر نه
ده ولنه کم نه نیوم و همیشه به باریز گرو
قبه گاه گه لان بشارت ...

بەسەرھاتی آراتات

- ۹ -

ئەو دەپكۆت : كاتىكى من لەزى شىطان (پارىكەمىرى
 ئىوانى فوئېس و بايزىد) بەمشە (گەردە) بايزىد گەيمتە
 ھوردو لەيش ئىنگو ھەندەھان زمارىك سەر كەردى تورك
 لەشەكرا بەدووورين مەيدان شەريان تاشا دە كەرد بەكى لەوان
 دەستى بەشۆزى خويەدا بەدەو بەرەق بەسەرگە دەبوو :
 « خودايا ئەمە چەبەد بە خىتەكە واتەم گشت يادەو سەركوت : بەم
 ھەموە مەھمانو توپو مەسئەلە لەيش دە كەسى كۆردى زوووت
 و برسى ھەلدين »
 بەلام ديارنەبوو ھەرمەندەى لىكەرى تورك لەگوزارەسى
 خويەدا زمارى آراتاتەكانى چەمپانىك تويىبو . ئەم شەرە
 لەنوو خەلكيدا لەتەتەيكى بەيدا كەردبوو كەدەپاكۆت لەشەردەدا
 لەنوو آراتاتەكاندا سوارانىكى بەرگ سەن دەرزان دەدا كە
 مابەى شەكەندى پيشەمەرگانەكان بوون .
 ايوارە يوو . آراتاتەكان بەسوراشى فرەكەكە چيون
 دە داوازە كەس لەمجاھەدان كەراوب آغا بىرى سەكى
 وچەند كەس لەدەستەى موسى بەركى لەنوواندا بوون زووتر
 خويان گەبەندە پارىگارانى فرەكەكە چەنگەيكى بەگەرەمان
 دەست يە كەرد .

وئەمى پيشەمەرگان زور لەباربوو لەئىوان تەپەكەكانى
 ناك تاكى طايە نەزىك دىب دووگان چىنگەيان گەرتبو آراتاتە.
 كان دەبوو لىرەمدا تەركى كېلو شەرىك رىگەى صاف لەزىر
 اوردى گوللانى واندا بيون فرەزەتەيدىگى حەتى وسەيد رسول
 بىرژىجى ھويوايو چەنگى رستە بەسەندىتەكە كەلە چەمى چەمى
 توركىان لەزىر اوردى گوللانى گەرت يادەكاشى مەيدانىكى
 بەترسان بەبەلە پىوا چىنگەيانى پيش توركە كاتيان داگىر كەرد
 پيشەمەرگان لەبەشت چىنگەى اصلى خويان كەقەبەيان كەردبوو
 دايين بوون ئەو سوارە كوردە كەبەيبەيكى لەھەموول پەلاماردا
 خۆى گەبەندەبوو كەنى كورك لىرەش خۆى گەبەندە ئىيورەتەنى
 چىنگەيانى ھەدوووا و دە گەل استەفادە لە (زاوېە مېتە) چەكەكانى
 دوزىن لەوچىنگەبەدا واومنا .
 ھەرمەندەى پيشەمەرگانى ئەم بەشە چوئەك بەرەبەرە كەمى
 يە ئىرەيد تەفەتەنى پاتەكەشى داو خۆى دەگەل سەسوارى
 دىكە ھەلاش . ئەوانى دىب خويان تەگەبەندە سەسە كاتيان بە

دەنگو باسى نيو خو مان

ھەلەردنى آلالەدى حاجىك

روژى ۱۷ ۲۲ ۱۳۲۵ آلاى مەقسى كوردستان
 كەلەلايەن حزبى دىموكراتى كوردستانەو
 ئاوردرايوولەئىوتەشادى وچەپەرزاتەيكى لەشەندازە
 بەدەر لەبى حاجىك كەمەركەزى كۆمىتەى
 شاورىرەتە بەرز كرايوو ھەلەكرا
 ھاتەھەوئەى حەضرە . پيشواى كوردستان .

روژى ۲۰ ۲۲ ۱۳۲۵ تەتائى ۶ پاش تەمور
 حەسرەتى پيشواى كوردستان وچەتائى آغاى
 حاجى سەيد پاشايىك رەئىسە ھەبەتەى رەئىسە مەيلى
 كوردستان لەتەموربەزگەرئەوولەكەنگەى حزبى
 دىموكرات كوردستان دا بەزىن حەسرەتى پيشوا
 لەساوانى انجەمەى ھەرفەنگى كار بەدەستەنى حزبى
 دىموكرات و سەر كەردانى كوردستان كەلەتكەدا
 كەتارەى خوشەحالى و مەوقەبەت لەنوو چاوانى
 حەسرەتى پيشوادا دەندىرا شەرفاب بوون پاش
 ئىوسەعات حەسەتەو ئەلمى ژىرەوى لەبەرئەبەر
 ايرادەفرىبو :

دوژمەنى كورد وائىن شەرت دەدا كە
 دەولەتى كوردستان اساسىكى ئىورە بەرووشى
 ھەزى سوور تىك دەبەى .
 دەرەوونى ئەوادعايە و كورە پوچاە زوو
 ھاتەجى و كورد امتحان خۆى دا دەوچەندروژتە
 دا كەاوردوى سوور خاكى ايرەئى چول كورد
 خە ھىندەى چارەن كورد وچەوشن تەگەرە
 ھەزارەا كەس لەلەخو بوورد وان ئەسەسورى
 كوردستاندا آمادەن تا ئاخىرىن تەوكى خوشتيان
 لەرى كوردستاندا بىزىن دەمى ئەوچار ئەو
 دوژمەنە بىلەن چى دەمى لىبان مەلومەى تەگەر
 زووحەتى كوردى ئەدەن بەزورى سلەجەى دەى
 ئەستەينىن لەفەزاووستەنى لىبە لەرورژەدا بوومە
 كەخەقى بە ھەزەو بە مەسالمەت بەدى و بىمان
 خوش ئەبە دوچارە لە نەداوا آورى شەرى ھەلەكە
 بەنەو ئەورو كورد سەلە دەتوانى حەتى خۆى لە
 ايرەئى بەشتى بەلكو دەتوانى حەتى خۆى لە

يارەمەنى تەركەبەن ئەدايا كوردان حەتى مەشرووع
 خويان و دەست دىبا .
 دىبان شەرى ئازەى بارزان ئەگەر دەست
 لەستەمار كورەگى بەعراق تەگەردا ھەزى بارزان
 بەآسانى فاتق دەبو و بە مەرام خويان كە سەر
 بەخۆى كوردستان دەگەشتن .
 ھەرەوا قىيامى سايل آغائە گەر دىبان دەستى
 لەستەمار پارەندەى ايرەئان ئەدايا ھەزى ايرەئان
 نەبەدەتوانى لە بەرايەر سايل آغا پەداىرى بەكەت
 سايل آغا دەپكۆت ئەگەر شەتوقف ئەمەن شەبەرتەى
 جالەبە دەگەلەى زور بەآسانى قەشونى ايرەئان
 تىك دەدەم و ئەتەمەى كورد و زگەرەكەم .
 دەسورەتەكەدا ئەورو بەكەتى كورد لەجەلالى را
 تاشكەك و ھەركى و زەمزا مەسەش و مەنگەسوو
 بىران و ئەولوى شەابىرى دەوورەبەرى مەبەسادى
 دا مەزراو و بەل شەيدى بارزانىش دەگەلەمەن
 و كوردى چەتو كرامشە و سەنەش و بالاخەرە
 تەلواى كوردەوارى بەشتوانى مەن و دەگەل مە
 ھاوئەنگەن آبابو و بەنە چوئە بەسەر دوژمەنى
 خوئاندا فاتق ناين .
 ئەورو دەولەتى مەيلى كوردستان زور بەھەزە
 تەچەندروژ لەومى پەش كەشتونى سورلە ايرەئان
 و مەلوانى ايرەئان دەھەتن لەئىنەمدا بەراى مە
 پان دەگەرت وانى ئەمان دەتوانى بىلەن بوونى مە
 دەبەگەرى و مەسەجى حەسى دەكەن . و لىجى
 چىچەوانەى ئەوروژە نوپەرى كورد لەتاران
 بەسەرەستى ئەداى كورد دەكا و ھەيو
 دارم كەدەئاش جىدى چاوى لەفەلچىنى وئەنى
 خوئان بەدەدەست خوئان و لەبەر ئەو كەمەسەوان
 خوش ئەبە شەرى بەكەن كەبەرايەنى ايرەئان چىچەوان
 و مەجورى ھەتايەن لەبەرلەبەر مەيان و ارگەتوون
 پان كۆزىن و ستانۆندەى خوئان ئاوردوئەتاران
 تەبى شەرحەتى خوئان بەدەدەست و دەگەل ئەومى
 بارزان كەئەورو بەكەتى كورد دەبەن ئەومى
 ئەنجىو و داكارى آردەباچەنى زور بەھەزەمەنەى
 كە ئەمەن لەتەموربە بووم لەھەموو كەبەكەدا آگەمان
 لىكەبوو و ھەجى تەلوتەكەن لەمەن داتەبە بەرەشەى
 نەوون و نەيان دەھەشت بەگەرەمەو و حەسەنەوك
 مەكەخوئان بوئەدا كەردن دەرىگەى واندا آمادە
 كە دەسەمەنەى

فرماندهی پیشمرگانی هم بهشت چونکو به بربره کهنی
نی نیردیت فرمانی پشته کشی داو خوبی ده گل سی سواروی
دیکه هلاکن هوانی دبی خوبان ده گمانده اسپه کاتبان به
بیان بهشت کشیان کرد .

فرزنده وسید رسول چون لاکتی تیره نندازیدا اسپه -
کاتبان دورو گه توپونوه و ددوی وان کتون ولدورا سر
کرده کتی هلاکوبان رهینا بهلام درنگ سیوو ونیچیر
له چنگ چوپوو .

دنگی تیریدی نده بیسترا سواره بیباکه که کهله شپوه
که دا چاوه نوری دهره تی بهلامار بوو بوجیگه پنی اسپه کان
لنگیدا پیچکه له چنده کس کوزراو دووسی کس بریندار
وبرک چاک دیک بهی نهاموو مجاهدین چونکو پیاده بوون
هینا خوبان نه گمانده هم سیگانه سواره ک ایدی چاوه
نوری هوانی نه کیشا مازی نه لنگی اسپه دا خوبی گمانده
تیرکی دوزمن پیشمرگان کتا شمت کس دبوون بهیل
پشته کشیان کرد چنده کس لهوان گهرا نوه له پشت سوری
خوبان سواریکبان دیت که بهله بوئوان بهلامار دینی سوار
دهره نی له دست نندا بی نومی مادی بیری کرده پیشمره -
گه کان بدای تیریکی بهال کرد به زمانی توری فرمانیکی
بهوینی فرمانی سدر کردنی تورلدا امری کرد : تسلیم .
دمت هایشن .

پشمره گه کان دتکوت ملتیزم بیوون خیرا اطاعتیان
کرد سواروی کورد چوپنی پیشمره گه کان قهنگ وریزه
فیشه کیکی ودرگرت چونکه لاکتیکدا که اولین تیری خوبی
لنیش فرمانی تسلیمدا بهتال کردبو دتیری که بهدمشوه
بوو نیچوو بیوو دلدارای دیله کانی کرد یانی دانی کفتوی
نهوان بوعداگری خوبان بگیرینهوه مجاهدینی پیاده که خوبان
براستی تور که کان گه پندت شمارا بدی سوار بوون له شپوه
گه بیشتی هورو پیگه وچوون کن فروکه که .

بیدبخانه آزارانیه کان خلیبان نهوه که فروکه که
وکار بین بالانای دوتوانی لهو نسلانی که بی پهوه
ههلا و سرباوو چاو بیوشن له بهر شهوه سلسله کاتبان هینا
خواری ودریان هینانو نپسو فروکه که کان له گیای ووشک
پر کرد . فرماندهی کورد ده گل احمد حاجی بریوحیدی
له کن فروکه که مانوه .

لاری کوردستاندا بریزن دهمی شوچار نهوه
دوژمنانه بین چی دهمی لیبان معلومی شه کرد
زوحقی کوردی دهمن به زوری اسلحه دی -
شمتین قهقراووستانی اسپه له روزو دابووومه
کعتی به بهر هره وبه مسالمت بدری وسیمان
خوش نیه دوباره له دینادا آوری شهری هه لکه
پنوه نهورو کورد سله دوتوانی حقی خوبی له
ایرانی بشتی بهلکو دوتوانی حقی خوبی له
دنیا به ستنی .

نه گرجی بوستنه که کنه من فداکاری نه نهوه
کورد له دینادا باسی بکهم چون چی ایکنوی
دوست دوزمن نه شپرمت ودره تانگی وگپان
بازی شهوه نه خبیله نه غلامه نا بنیوت که یوه
له تری شهری یوسفه سید وشخ عبده افشار
چنده سالان ده گل تورکان بووم چنگ هینانی
سدر به خوبی به شعر خان اگر دستنی استعمار

چنگجو کانی دیکه ریگی آزارانیه کره
پیش دورو کتون هم دور که سه چنده
دقیقه جهستی زملای فرو که که بان نسواری
بو وداع گیای نیوه که بان آوورنی بردا
ونه کاتبان لنگدا بگنوه هاواله کاتبان
پدروی شوی پاله کانی زهش نساریکی
خوبی بهرووی هم کوشنار گبه دایهانو له بهر
چاوانی ناردهوه . یه دنه کیکی غرب چیکای
ههرا ههراو گرمه گرمی توپو نه فنه که چینه
کانی گرتیوه نه نا دهنکی بی نه شپان بوو
که تم میدنگی پیگند که سانی ناسی
برینداران کوری باشتینی اسلی نه پرو دواوی
دهرووند دستن توله پاداشی نهوانی که
بهلاماری زنو منالانی بی کوهنایان دابوو

دابووو آیسانی فرو که که به رووشاکی
خوبی چنگجویانی پدی ده کرد . بوچی
که بو کوشتی مجاهدینی آگری بهین فرو که
کهوه ههلاوه سرباوو توتی و دهنکیکی زلی

بیان زوین وستانه نوری خوبان ناروونه تاران
تهی شهر حقی خوبان بهنده دست و دنی نهوه
برزان که نهورو به کیتی کورد ده گل نهوه
نجیب و فداکاری آذربایجانی زوره عزیز مو نهوه
که نمن له نهو دیز بوم له ههوا کربکا آنگان
لیکنه وه وحیح تقویت کمان له بن دانی میجرانی
نهون و نهان دهدهشت بگره موه وحاشن و شک
به که خوبان یوفدا گرن دهریگی وان دا آمده
کردوه هوانیش او بوه وحاشن و جهر دو کمان
خوبیکی بهر ههرازی آزادی له زمانه می ایرانین
ولی له بهر هیندک قسه که بیستیم وه کیش
بو به خیر هینانی نه ابراهانه کهنری دورا بو
فداکاری و گیان مازی ایدوبون و شرفین هیناوه
گهرا ههرو و ایدوارم که به یار همتی خودا یوفدا
کاری عشایرو کورانی کورد به زویکی زو
الاسی ره تگی کوردستان له سه رتاهری
کوردستان و حتی نهواری ایرانی بله رتاهوه .

لی ههلاو یوزی آزارانیه را که بهاندویم
تقیفه دوبله رده ی نهواری کتی کورلدا وایی
هات دیله کان وه کو باینان درابوو بهر ههلا
کران نه چاره جوی له ههووو چاران آزارانیه
نبرجکی پیشمره کاتبان دانی وه کراسو
دهریی سبوه وشاری بازیدیان بهری کردن
تخله کی به چاوی خوبان نه چیمی هوردو
کشی و جهنگ ده گل کوردان بین .

وا دیده چوو که سمنکی روشتی آوی
چومی سوزوی تم نیوه شمری له ناری
آزارات دهخو پیدهوه :
روزا آزاده رته حهلات (زوی آزادی له سه رتو
ههلات) (روز اناره به شکلی نهروزه به
سدر ووی آلی منی کورد کیشرا بو) خاکی
آزارات خوشه بوستر بیو آگری بهه عیبت
تر دههات بهر باجو کوردانی آکسری هم
بهشپان له ناری آزارات تارنلو که ده کرد .

کوردستان

ژماره ۱۰
په ۶ و ۱۰ ز ۲۵

آگاداری

نظر په دغو مالو ۱۲ نوډیټ استازو مالان کسانیک که
 نسبت د پلاک ۱۲ پخپول اعلیٰ حق جوار لیکتی بهخشی ۱۵ و بهخشی
 ۱۶ و بهخشی ۱۷ و بهخشی ۱۹ مېباد له شته مانگه ښوولو
 دهم سالی ۱۳۲۴ دا دلو خوازی ټیټان کړود و بهر بهری
 ماده کان بهرچو په جرمه آگاداری ذکرې - بهخشی ۱۵
 بهکې فرعی ۳۳۰ مېوه سوې زاده قلمه لورزیت کورمې
 لورمیان - بهکې فرعی ۳۳۱ رحمن مدینه قلمه لورزیت
 کورمې ارمیان - بهکې فرعی ۳۳۶ علی قسری قلمه لورزیت
 کورمې ارمیان ۶۳۳ سه دیمبارکې چوار دانگ دواوې ټیکلې
 خاڼوبه کورمې ارمیان انتقالي له حسن فرهادی و غفور لویسی
 دواوې فرعی ۱۶۱۲ رشید قلمه دواوې قلمه لورزیت کورمې
 قوه بهیران ۱۶۴۳ محمود احمد پور آذر کلاوړه کورمې
 زرگمان انتقالي لایراهم پورمیان ۱۵۳۰ بانو مرزا مال حبیبی
 خاڼوبه کورمې زرگمان ۱۵۴۲ عبدالله حشې کلاوړه کورمې
 کورمې زرگمان ۱۷۰۱ سعید عبدالله هاشم مرکزی خاڼوبه
 کورمې وچیه ۲۱۱۷ حیدر حبیبی و هاشم پورمې مکرې
 کلاوړه کورمې زرگموني جامه انتقالي له آغا و بیانام
 پورمیان ۳۳۳ عبدالله سه دیمبارکې خاڼوبه کورمې ارمیان و
 شندانگې بهمدی سالک پینچ هزار قران لویه هر شمرلی محمد
 قصاب باشی پناه ۱۶۴۴ حسن کور خاڼوبه کورمې زرگمان
 انتقالي له حسن داکوړمور ۱۷۹۵ جناب الحاج حاجی سید بابا شېخ
 (سیادت) خاڼوبه کورمې زرگموني قبه انتقالي له محمد مومن
 لایراهم پورمیان ۵۲۲ سلیخ ابراهیم دودو دانگې ټیکلې خاڼوبه
 کورمې حاجی حسن ۱۷۶۱ مصلی قلمه خاڼوبه کورمې
 زرگموني انتقالي رحمت شاهې - بهخشی ۱۶ دین دلیک مالش
 پلاکې ژماره ۳۶ اصلی محمد حبیبی اندس سیزی و سالم حبیبی
 اندس سیزی دانگې ټیکلې دې ټیټ ورواوه ټیټی انتقالي
 سالم شیخ اغانی اصلاً سمن لمان دانگې و ټیټه له طرف
 غزیر حسن زاده و قلمه لارو حسن و رحمن شیخ آغې و پورمې
 و سمعت باشی آغانی - بهخشی ۱۷ دې عیس آباد پلاکې

چوار مانگو یو به مېاښی چلر دو هزارو
 پینسه قران له کن حسن بدایې بهی شمرله
 لایراهمې مادی ۱۶ قانون ټیټ هر کسمیک
 نسبت به املاکې نیواری سوری داو خوازی
 اعتراض هبه دوتوانی لایراهمې بلا کورنه -
 دې همدولن آگاداری نوډیټ (۳۰ مانگې
 خاڼوبه ۱۳۳۵) لاندې نیو د وروژ داو -
 خاڼوبه اعتراض خوی مستقیماً لایراهمې
 ټیټ مېاښ تاسیه بکا د دویمور ټیکلې به ټیټ
 تقاضا کتنده وغیر له پېش انتقالي آگاداری
 دا راجع به هغه ټیکلې له املاکې تقاضا کراو
 د دواوړه که جرونه بی مدعی دوتوانی
 لایراهمې مادی ۱۷ قانون ټیټ شاهدنامه
 داوړه که دلیل و نشان دی بهر بهر مگر
 دعوا له لاندې ۹۰ روزدا تسلیم هم لادارې
 بکا والی حق ووی ساط و له ټیټ د دې
 ونه دېو حدود مطاق مادی ۱۲ دست
 بی دگرې حقوقی ارتقالي له موخنی تجدیدی
 حدودا د صورت مجلسه دوتوسری و دلو خوازی
 اعتراض راجع به حدود و حقوق ارتقالي له
 روزی تنظیم صورت مجلسه تا ۳۰ روز
 فیصل دگرې هم آگاداریه له لاندې
 ۶۰ روزو هر بهر د وروژ چارېک
 اعلان دگرې .
 آگاداری نوډیټی نومول - ۳۰
 خاڼوبه ۱۳۳۵

۲۰۰۱۶۰۱۳۰۱۱۰۹۰۵۰۳۰۱
 حسین مجدی سردنگ ټیکلې له شندانگ هر
 پک زاده خاڼوبه دې نیو لور ۲۳۳ حسن مجدی
 دانگو نیو نیکی ټیکلې باش انکور و لکه و بیغزونه
 دې نیو نیو اوباش ټول له مور چاوه کانی قرانچه سلمی
 و دچوسې مانگې محض لایراهمې و شې یو
 ۲۵ حسین مجدی س دانگې ټیکلې زمین پدراو
 سه لایراهمې نیو لور و حق آرو له شمسهار قرانچه
 سلمی وچوم مانگ به ری و شویستی
 محل ۲۶ حسین مجدی دانگو نیو نیکی ټیکلې
 آشیه لاندې بزولو و حق اوله چوم قرانچه
 علیا (دېه) له زهرا خان پلاکې ژماره ۱۷ اصلی
 بازیده آغا غزنی ۳ دانگ ټیکلې و حسن
 عمری و حمزه دلی پور هره پک نسبت به دانگ
 و دوشم دانگ و حسین و رسول آغا عمری هره پک
 نسبت به ټیټ دانگ و پک ششم دانگ دې نیو
 لور و سوسې حسن عمری و حمزه علی پور
 و حسین و رسول آغا عمری انتقالي له حسن بدایې
 و حسن عمری دانگې شاهی دې نیو لور لایراهمې
 املاکې دی بهمدی چوار مانگو نیو له مانگې
 مېاښی چلر دو هزارو پینسه قران له کن
 حسن بدایې بهی شمرله دې شکرلې لایراهمې
 ژماره ۱۹ اصلی حسن عمری و حمزه دلی پور
 هره پک نسبت به دودو دانگ ټیکلې و حسین و
 رسول آغا عمری هره پک نسبت به دانگې ټیکلې
 دې نیو لور و انتقالي له حسن بدایې حسن عمری
 دو دانگ شاهی دې نیو لور و دی دکل
 املاکې دې نیو لور و ۳۰ ۳۰ ۲۴ بهمدی

ماوډی لاپهري ۱ کور دو آذربایجان
 منظور دفع از آزاب و حاک زاد گاه عزیز و بارزه
 کنیم بلکه آزاد برآ دسر ت سر بران هم
 برقرار کنیم .
 اکنون آن دستگاهای مزدوران استعمار که
 به افتخار بیجان آذربایجان و کوردستان بنام
 (جای حیرت) سر، سر تاج اوراست) دوزخند

هان ای دولت آذربایجان و کوردستان
 شدنی که در ظل دیوارم توانا و سیاستمدار
 و دیپلمات خود چندان فاضل محمد و پیتوبوری
 بهمنای اوج رفعت و شوکت خواهم رسید
 ای افرادی دولت غیور آذربایجان و کوردستان
 فرخنده و هشیار باشید که در تحت لای آذربایجان
 و کوردستان باید مدارج عالی تکمیل و ثمری
 دنیای امروز را بسوده تانسانیم تا در زمین

ابراهیم بوردنبه ۵۲۲ سالج ابراهیمدو دانگی تیکم خائونیک کمرگی حاجی حسن ۱۷۶۱ مصطفی داودی خائونیک کمرگی مزکوتیقه انتالی رحمت صافی - بهشت ۱۶ دبه دلبکاشی پلاکی زماره ۳۶ اصلی مصححبینی هس بزوی وسلام حسینی هس سه بزوی دانگیکی تیکملی دبه نیبی ورابو نیی و منی انتالی امام شیخ آغائی اصلانو حسن مغتلی دانگی وایوما له طرف غازی حسین زاده - قلیسلانوز - حسن زحمر شیخ آغائی و بابانورق و عصمت صالح آغائی - بهشتی ۱۷ دبه عبس آباد پلاکی زماره ۵۳ اصلی عبداللوه قاسم عباسی جوزد انگو نیوی تیکملی دبه نییوربو و بنی و منی - (اعینانه کاتی شاره و منی بوگانه پلاکی زماره ۱۳۰ اصل) - فرعی صالح نسیری بوگانی پنج دانگی اعینانه خائونیک ۲۲ - فرعی سید صادق رحمانی اعینی قلمه غایبچینگ ۹۶ فرعی رشیدجیری بوگانی اعینانه خائونیک ۹۶ فرعی رشید خیجاری بوگانی اعینانی سه دانگی خائونکی تیکملی ۹۹ فرعی سید صادق رحمانی اعینانی خائونیک ۱۰۶ فرعی بوسف غایبان صادونی بوگانی اعینانی خائونیک ۱۴۵ فرعی سیدعلی آغا جایی بوگانی اعینانی خائونیک ۱۷۱ فرعی موسوی واسحق و عمران و بوگانی کبندی بوگانی اعینانی خائونیک تیکملی به دهره بک ۱۷۲ فرعی عمران کبندی بوگانی و استیتر بقوریان اعینانی خائونیک تیکملی به دهره بک ۱۸۰ فرعی محمدحسین مهلا محمدودی بوگانی اعینانی کابونیک ۲۱۹ فرعی سعید سیدی بوگانی اعینانی خائونیک ۲۲۳ فرعی عبداللوه محمد حسن صالح و مصطفی مقرائی بوگان اعینانی خائونیک تیکملی به دهره بک ۲۲۶ فرعی رحیم امینی بوگانی عرصه و اعینانی دانگیکی و عالی ابراهیم بوگانی و حسین امینی بوگانی اعینانی پنج دانگی تیکملی خائونیک ۲۴۲ و فرعی سید عبدالله کلمانی بوگانی اعینانی خائونیک ۲۴۵ فرعی علی محمد و فرزند او اعینانی خائونیک ۲۷۵ و فرعی حسن تیریرچی بوگانی دانگیکی عرصه و شردانک اعینانی خائونیک ۲۳۵ و فرعی نازدار فتحی بوگان نسبت سه مرغ دانگی و صدیق و اسمعیل و کریم اسکندری حهره کبندی نسبت به دانگیکی سه چواروم دانگی تیکملی اعینانی خائونیک ۲۹۹ فرعی محمد رشید برا خاس بوگانی و حه میریز ملت زاده بوگانی اعینانی خائونیک ۳۰۰ فرعی محمد رحه عثمان زاده بوگانی اعینانی خائونیک ۳۰۱ فرعی رشید نلبندی اقدم بوگانی و صالح و حه کوردی بوگانی اعینانی خائونیک تیکملی به دهره بک ۳۰۶ فرعی کبکش و مرادی بیگی بوگانی اعینانی نلبانویکی کا ۳۲۲. فرعی محمد امین رحیم زاده بوگانی اعینانی خائونیک (دبه نیی حصار پلاکی زماره ۱۳۳ اصلی) - علی کابلغان دانگیکی و محدود احمد اختاری چوار سیم لهش سیم دانگیکی نیه کملی نیوی دبه نیی نیوی پزار و بهشتی ۱۹ دبه فرقیه سالی پلاکی زماره ۱ نیوی

منظور دفع ازآب و حاک زیاد گده عزیز میانه

کیم و بیکه آزابرا درس تا سربران هم
 برقرار کیم .
 اکنون آن دستگهای مزدوران استعمار که
 به افتاد بیکان آذربایجان و کوردستان بنام
 (جای حیرت و بس تعجب آوراست) بوزخند
 می زند . باشی راخنی را زیر سر نگاهدارند و
 بداند که استعمار پرشده است بیرون ...!!!
 برو این دام بر مرغ دیگرته !! گرچه این
 مرغ هم در تپای منقلب پیدا نبشود زیرا
 آسیای استعمار و استعمار شده بیروز ، امروز
 بنام دبه کراسی مانند گوه آتش فشان زبانه و
 شراره میکشد و میگردد ما و دوه کراسی ...
 دبه کراسی و ما .
 ماوهی لا به ۲
به بندی خانهای سیاسی
 نمی توانه ای که دانه های باش شو همدردی
 سه به و خوین بریزه دو باره نظمو زور بلاو
 بکرموه . پاسوی چاین و خوتان رسوای عالمی
 مگکن ، قیاسی بیچی مغلبن .
 دوپتا سه تا سه همتاوه وداوای آزادی
 دهکا ووزیک دهی بی کسو بی باره منی ده کمونه
 مهربانی وگهستان امردمه ورو بهری تا مینی چونکه
 گهوره وچوکی آهه ری دانی سه زومری جای
 به روزی آزادی که هر توه به ره و آزادی ده
 رون ویشی پیده به کستن . کوردیش به یکیکه
 له و میله ده نهی که پیشی به آزادی به ستوموده بووی .
 له آخورد - له نویم .
 کورد هموند کوردن به سه دشیطان له کوردی نا کون
 نیدی حعلی بوچی بو خوی دهردی سه به پیدانه کا

شاذلی که در ظل دو قایم توپا و سیاستمدار
 و دیپلمات خود جهان افکنی محمد و بیستوی
 بمقتای اوج رفعت و شوکت خواهم رسید
 ای افرادی دولت غیور آذربایجان و کوردستان
 فرخنده و هشیار باشید که در تحت پرای آذربایجان
 و کوردستان باید مدارج عالی تکامل و ترقی
 دنیای امروز را پیومده قاتوانیم سه ز زمین
 مقدسی خود و سرانسر ایران را که می ستندین
 و مقدسین پاک کرده و نمونه پشت برن سازیم
 تا بشتر از این به ترقیات روز افزون و قوی جنگی
 و نظامات عمومی که در این ایل مدتها مین شده تا بل
 شوم ، اصلاحات اقتصادی و صنعتی و ولاحتی
 و زیا دتر از این شروع و آماده نموده با قدم
 بند و تکامل و استنتاج داریم و تمام آزادی خواهان
 ایرانیان این نعمت بهره مند سازیم البته طی این
 طرق برای دولت آذربایجان و کوردستان که مانند
 دو مغز بادام بهم وصل و بیچیدانه کاملاً آسان
 و بلا زاع است زیرا اکانه ای بگرودست نخورد و خود
 منابع اولیه و مواد خام را از نیازمندی به ملل
 خارج و احتیاج گذشتناست .
 سبک است با هم پیش پا یک قدمی عالم عمل که آخرین
 نقش دنیای ترقی همین است و بس خسته و برود و نام
 اجسادیک روح بر ایران آذربایجان و کوردستان .
هاشم خلیل زاده
 مانگی با نه مهر له کورد وهاری
 به هشت له دنیا خوبی داد یاری
 که زبوشی له گول چادری سوز و زرد
 (۵۹۴) خاردی هلدیران دردانه بو دورد
مزی آسمان داری
 ۱ - لاپاری دیری ۳۱ راک
 ۲ - ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲
 ۳ - ۳ ۳ ۳ ۳ ۳ ۳ ۳ ۳ ۳ ۳
 ۴ - ۴ ۴ ۴ ۴ ۴ ۴ ۴ ۴ ۴ ۴
 ۵ - کافه نو پاکت سه دهی ۲۰